

محدود کردن اینترنت

مرحله جدید سرکوب دیجیتال در ایران

تیر ماه ۱۴۰۳

ARTICLE 19

72-82 Rosebery Ave

London EC1R 4RW

UK

www.article19.org

T: +44 20 7324 2500

F: +44 20 7490 0566

E: info@article19.org

W: www.article19.org

Tw: [@article19org](https://twitter.com/article19org)

Fb: facebook.com/article19org

آرتیکل ۱۹ یک سازمان فکری-عملی بین‌المللی است که جنبش آزادی بیان را به صورت محلی و جهانی به جلو حرکت می‌دهد تا اطمینان حاصل کند که همه مردم به قدرت صدای خود پی می‌برند.

ما به همراه شرکای خود، تحقیقات پیشرفته و تحلیل قوانین و سیاست‌ها را در راستای پیشبرد تغییر در سطح جهانی انجام می‌دهیم، در جبهه‌های آزادی بیان از طریق ۹ دفتر منطقه‌ای در سراسر جهان فعالیت می‌کنیم، و با ایجاد نوآوری در حرکت جهانی به سوی آزادی بیان تغییر به وجود می‌آوریم. ما این کار را با تمرکز بر پنج موضوع کلیدی انجام می‌دهیم: ارتقای استقلال رسانه‌ها، افزایش دسترسی به اطلاعات، حفاظت از روزنامه‌نگاران، گسترش فضای مدنی، و قرار دادن حقوق بشر در مرکز توسعه فضاهای دیجیتال.

این کار تحت مجوز Creative Commons Attribution-NonCommercial-ShareAlike 4.0 ارائه شده است.

شما می‌توانید این اثر را کپی یا توزیع کنید، نمایش دهید و همچنین بر مبنای آن آثار دیگری تولید کنید، به شرط آنکه:

- منبع مطلب را که آرتیکل ۱۹ است ذکر کنید؛
- از این اثر برای مقاصد تجاری استفاده نکنید؛
- هرگونه اثر برگرفته از این سند را تحت مجوزی همسان با این مجوز توزیع کنید.

برای دسترسی به متن کامل قانونی این مجوز، لطفاً به وبسایت زیر مراجعه کنید:

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-sa/4.0>

آرتیکل ۱۹ از دریافت نسخه‌ای از هرگونه مطلبی که اطلاعات این گزارش در آن استفاده شده است استقبال می‌کند.

آرتیکل ۱۹ تنها مسئول محتوای این سند است.

برای طرح هرگونه سوال اختصاصی درباره محتوای این گزارش، لطفاً از طریق ایمیل زیر با پژوهشگر اصلی، مهسا علیمردانی، تماس بگیرید.

mahsa.alimardani@article19.org

5	محدود کردن اینترنت: مرحله جدید سرکوب دیجیتال در ایران
6	پیشینه شورای عالی فضای مجازی
7	قدرت‌های جدید برای شورای عالی فضای مجازی
8	رهبری جدید تندرو
10	برنامه هفتم توسعه و قدرت‌های جدید فیلترینگ مرکز ملی فضای مجازی
10	معافیت از نظارت قضائی
	مصوبه شورای عالی فضای مجازی: «بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با
11	پالایش شکن‌ها»
11	تشدید تلاش‌ها برای هدایت کاربران به سمت پلتفرم‌های داخلی
13	ممنوعیت وی پی ان‌ها
14	ادغام سیاست حجاب و عفاف در سیستم نظارت فضای مجازی
	«شراکت مردم در درآمد حاصل از فروش ترافیک تولیدات» محتوای دیجیتال: ابزاری برای تبدیل اینفلوئنسرها به
14	مبلغان حکومتی
15	توصیه‌ها

پس از هر خیزش سراسری، جمهوری اسلامی توجه ویژه‌ای به تشدید مرکزی کردن و کنترل بر اینترنت پرداخته و دوره جدیدی از سرکوب دیجیتال را آغاز می‌کند. در این گزارش، آرتیکل ۱۹ بررسی می‌کند که رژیم ایران چگونه کنترل خود بر اینترنت را از طریق شورای عالی فضای مجازی با قدرتی روزافزون و تحت یک رهبری تندرو تقویت و تحکیم می‌کند. در حالی که انتخاب رئیس‌جمهور جدید، مسعود پزشکیان، ممکن است به تغییرات احتمالی در اعضای این شورا منجر شود، کمتر شکی وجود دارد که مسیر مستند شده ادامه خواهد یافت. در این گزارش، همچنین توصیه‌هایی در رابطه با نحوه واکنش کشورهای ثالث و نهادهای خصوصی نسبت به این تغییرات ارائه می‌دهیم.

پس از سرکوب [اعتراضات آبان ۱۳۹۸](#)، که یکی از شدیدترین سرکوب‌ها هم در سطح خیابان و هم در فضای آنلاین، از جمله از طریق قطع اینترنت به مدت یک هفته بود، دوره [قانون حمایت از کاربران](#) (طرح صیانت) آغاز شد. در حالی که این طرح هنوز به تصویب مجلس نرسیده و به‌طور رسمی اجرا نشده است، ارکان اصلی آن بی‌سر و صدا به اجرا درآمده‌اند. روح حاکم بر این طرح منجر به اعمال اشکال تهاجمی سانسور و در عمل فیلترشدن تمام پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌هایی که تحت کنترل دولت نیستند شده است. این طرح همچنین به‌طور تهاجمی به دنبال غیرفعال کردن و احتمالاً جرم‌انگاری ابزارهای دور زدن فیلترینگ است. هدف اصلی تمام این اقدامات، تجمیع تمام ابعاد استفاده از اینترنت در دست حکومت و حتی نیروهای نظامی است.

ما پیش‌تر [سرکوب تهاجمی آنلاینی](#) که همزمان با سرکوب معترضان در جریان خیزش مهسا ژینا امینی در پاییز ۱۴۰۱ آغاز شد را ثبت و مستند کرده‌ایم. در حالی که با نگرانی فزاینده‌ای به مستند کردن تحولات طرح پس‌گرایانه و سرکوبگرانه صیانت و [اجرای غیرقانونی](#) آن پیش از خیزش اخیر و در طی آن پرداخته‌ایم، همچنین به تحولات درون شورای عالی فضای مجازی (که نشانه‌ای از تشدید تهدیدها علیه آزادی اینترنت در ایران است، توجه داشته‌ایم.

در این گزارش، قدرت فزاینده شورای عالی فضای مجازی که یک ارگان مرکزی مرتبط با مسایل مربوط به منافع عمومی اما تحت کنترل رهبر جمهوری اسلامی، یعنی مقامی غیر منتخب از سوی مردم با اختیارات و قدرت غیرمحدود است را تشریح می‌کنیم. شورای عالی فضای مجازی به‌عنوان ارگان مرکزی و تصمیم‌گیرنده درباره سیاست‌گذاری‌های اینترنت در ایران، به‌طور مستدام به سمت تبدیل شدن به کارزاری همه‌جانبه و چندوجهی برای سرکوب هر چه بیشتر آزادی بیان در اینترنت و تکمیل شبکه ملی اطلاعات، اینترنت داخلی ایران، پیش رفته است.^۱ ما همچنین چهار تحول کلیدی از زمان خیزش مهسا ژینا امینی که حاکی از آینده نگران‌کننده آزادی اینترنت در ایران است را مورد اشاره قرار می‌دهیم:

۱. قدرت‌های جدید شورای عالی فضای مجازی از جمله:

1 معانی مختلفی برای این مفهوم وجود دارد، اما در نهایت به میزبانی مراکز داده، سرورها، فناوری و زیرساخت‌های اینترنتی مرتبط در داخل مرزهای ایران اشاره دارد.

- وظایف و اولویتهای جدید برای دبیر جدید شورای عالی فضای مجازی، محمدمین آقامیری، که از اعضای تندرو و رئیس پیشین واحد دانشجویی گروه شبه نظامی بسیج است. این انتصاب توسط رئیس‌جمهور انجام شده و توسط رهبر جمهوری اسلامی اجرایی می‌شود.
- قدرت‌های جدید برای کنترل فیلترینگ از طریق برنامه هفتم توسعه دولت.
- قدرت‌های شبه‌قضائی جدید، که با تصویب مجلس ایجاد شده و به سیاست‌ها و مقررات صادر شده توسط شورای عالی فضای مجازی این امکان را می‌دهد که بدون نظارت پارلمانی یا قضائی به اجرا درآیند.

۲. مصوبه شورای عالی فضای مجازی «بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با پالایش‌شکن‌ها»

- این مصوبه کاربران را به سمت پلتفرم‌های داخلی که کنترل آن‌ها برای شورای عالی فضای مجازی آسان‌تر است، سوق می‌دهد.
- این مصوبه استفاده از شبکه‌های خصوصی مجازی (وی پی ان‌ها) را ممنوع می‌کند.

۳. برنامه‌های شورای عالی فضای مجازی برای تصویب لایحه حجاب و عفاف و افزایش فشار برای نظارت بر پوشش حجاب زنان از طریق یک سیستم نظارت فضای مجازی.

برنامه «الزامات تعرفه‌گذاری ترافیک شبکه و سهم شدن تولیدکنندگان محتوا در درآمدهای حاصله» شورای عالی فضای مجازی برای اجرای برنامه‌های جدید درآمدزایی برای «اینفلوئنسرهای رسانه‌های اجتماعی» که همراستا با سیاست‌های دولت عمل می‌کنند.

پیشینه شورای عالی فضای مجازی

شورای عالی فضای مجازی به‌دستور رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای، در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ تأسیس شد. در حالی که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون‌گذاری به‌طور انحصاری در حیطه اختیارات مجلس شورای اسلامی است، حکومت چنین اختیاراتی را از طریق شوراهای تحت نظارت علی خامنه‌ای عالی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی اعمال می‌کند. در طول سال‌ها، خامنه‌ای قدرت این شوراها را به گونه ای گسترش داده است که آن‌ها اختیار تعیین سیاست‌ها، قانون‌گذاری و اجرای آن‌ها را بدون طی کردن فرآیندهای قضائی یا پارلمانی معمول دارند.

در سال ۱۳۹۰، خامنه‌ای در فرمان خود که به تأسیس این نهاد انجامید، شورای عالی فضای مجازی را به‌عنوان «نقطه کانونی متمرکز برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در فضای مجازی کشور» توصیف کرد. او کارشناسان و اعضای مختلف نهادهای دولتی را به‌عنوان اعضای شورای عالی فضای مجازی منصوب کرد تا با حضور اعضای قدرتمند، اختیارات این شورا را تقویت کند.

در تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۹۴، خامنه‌ای اعضای شورای عالی فضای مجازی را برای [دوره‌ای دیگر](#) منصوب کرد. عضویت آن‌ها به مدت نزدیک به نه سال ادامه یافته است.

در فرمانی که در سال ۱۳۹۴ صادر شد، خامنه‌ای بر لزوم انحلال شوراهای فعال موازی با شورای عالی فضای مجازی [تاکید](#) کرد و اضافه کرد که مرکز ملی فضای مجازی به عنوان بازوی شورای عالی فضای مجازی باید «تقویت و متمرکز» شود.

او همچنین وظیفه تسریع راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات را به شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی محول کرد و بر «پاک‌سازی و امنیت جامع فضای مجازی کشور» در برابر «دخالت و تجاوز بیگانگان» تأکید کرد.

شورای عالی فضای مجازی ۲۷ عضو دارد که ۱۸ نفر از آن‌ها روسای نهادهای دولتی و ۹ نفر از آن‌ها کارشناسان صنعتی هستند. از میان ۱۸ عضو نهادها، ۷ نفر از نهادهایی هستند که تحت نظارت رهبر جمهوری اسلامی قرار دارند. این مسئله، به علاوه حمایت ۹ کارشناسی که به طور مستقیم توسط رهبر منصوب می‌شوند، نفوذ قوی او بر شورای عالی فضای مجازی را تضمین می‌کند.

مداخله مستقیم خامنه‌ای در برخورد با اینترنت به سال ۱۳۷۷ برمی‌گردد، زمانی که او «[سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای](#)» را صادر کرد. در این دستورالعمل، او تعیین کرد که دسترسی به اینترنت جهانی تنها از طریق نهادهای دولتی خاص مجاز است. این دسترسی شدیداً مرکزی به اینترنت جهانی، قبلاً در گزارش «[محدودیت اینترنت سال ۱۳۹۹](#)» از سوی آرتیکل ۱۹ ترسیم شده است.^۲ وابستگی به ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت برای دریافت مجوز از دولت به منظور دسترسی به اتصالات جهانی، به [مانعی بزرگ](#) در راه اتصال به اینترنت و حفظ سلامت آن در ایران تبدیل شده است.

پس از آن، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰، خامنه‌ای دستورات محدودکننده‌ای برای دسترسی به اینترنت و افزایش کنترل بر فضای مجازی از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت تبادل اطلاعات (که بعدها در سال ۱۳۹۵ منحل شد) صادر کرد. از سال ۱۳۹۱ به بعد، با تشکیل شورای عالی فضای مجازی و بازوی اجرایی آن، مرکز ملی فضای مجازی، خامنه‌ای به پیگیری این محدودیت‌های سرکوبگرانه ادامه داده است.

قدرت‌های جدید برای شورای عالی فضای مجازی

قدرت و اختیارات شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی از زمان تأسیس آن‌ها در سال ۱۳۹۱ به‌طور مداوم در حال افزایش بوده است. به‌تازگی، افزایش این قدرت به‌طور مستقیم با صعود محمد امین آقامیری، دبیر تندرستی جدید شورای عالی فضای مجازی مربوط بوده است. آرتیکل ۱۹ با نگرانی، سه تحول جدید در افزایش قدرت سرکوبگرانه شورای عالی فضای مجازی را مورد توجه قرار داده است:

۲ نقشه زیرساخت اینترنتی ما را در [گزارش محدودیت اینترنت سال ۱۳۹۹](#) و همچنین [گزارش سال ۱۴۰۰](#) ببینید که حاکی از امتناع دولت ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور سابق از صدور مجوز برای ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی برای دسترسی به اینترنت بین‌المللی است.

1. از طریق رهبری جدید تندروی خود، و با تایید و پشتیبانی رهبر جمهوری اسلامی، مسئولیت‌ها (همانطور که قبلاً ذکر شد) و قدرت‌های جدیدی به این سازمان محول شده است.
2. برنامه هفتم توسعه، بر قدرت شورای عالی فضای مجازی می‌افزاید.
3. معافیت‌های جدیدی از نظارت قضایی بر مقررات صادر شده توسط شورای عالی فضای مجازی در نظر گرفته شده است.

رهبری جدید تندرو

انتصاب یک دبیر تندرو برای هدایت مرحله جدیدی از سرکوب دیجیتال

در سال ۱۴۰۲ و در میانه جنبش مهسا ژینا امینی، محمد امین آقامیری به عنوان دبیر شورای عالی فضای مجازی و رئیس بازوی اجرایی آن، شورای عالی امنیت منصوب شد. آقامیری فردی ۳۷ ساله با گرایش‌های تندروانه و ارتباطات عمیق خانوادگی با مقامات جمهوری اسلامی است.

اولین سمت رسمی آقامیری به سال ۱۳۸۸ و دوران دانشجویی او در دانشگاه صنعتی شریف تهران باز می‌گردد، زمانی که به عنوان رئیس واحد دانشجویی بسیج در این دانشگاه منصوب شد. بسیج‌های ایران واحدی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و به دلیل نحوه سرکوب مخالفان و معترضان، عمدتاً از طریق روش‌های خشونت‌آمیز و حتی مرگبار، معمولاً به عنوان «مشت آهنین» حکومت شناخته می‌شوند. نقش بسیج در سرکوب اعتراضات دانشجویی در دانشگاه‌ها در جریان اعتراضات ۱۳۸۸ به خوبی شناخته شده است و آقامیری در این اقدامات نقش محوری ایفا کرد.

پیش از پیوستن به دولت رئیس‌جمهور پیشین، ابراهیم رئیسی، در سال ۱۴۰۰، آقامیری در موقعیت‌های مختلفی در نهادهای علمی و فناوری مشغول به کار بود. با آغاز ریاست‌جمهوری رئیسی، آقامیری به عنوان معاون فناوری و نوآوری در وزارت ارتباطات منصوب شد و از جمله افرادی بود که مأموریت «تسهیل بومی سازی تجهیزات مورد نیاز برای شبکه ملی اطلاعات در کشور» را بر عهده داشتند.

یک سال بعد، در سال ۱۴۰۱، در حکم دیگری، وزیر ارتباطات آقامیری را به عنوان معاون وزیر و رئیس سازمان تنظیم مقررات ارتباطات منصوب کرد. همان‌طور که آرتیکل ۱۹ پیش‌تر اشاره کرده بود، سازمان تنظیم مقررات ارتباطات به شدت در عملیات نظارت و سانسور، و همچنین قطع اینترنت در ایران، نقش اساسی دارد و رئیس آن به طور نزدیک با مقامات اطلاعاتی همکاری می‌کند.

سپس، در بهمن ۱۴۰۲، رئیس‌جمهور پیشین، رئیسی، آقامیری را به عنوان دبیر شورای عالی فضای مجازی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی منصوب کرد. این انتصاب چند ماه پس از سرکوب دسترسی به اینترنت توسط سازمان تنظیم مقررات ارتباطات تحت رهبری آقامیری، به منظور سرکوب خیزش مهسا ژینا امینی انجام شد. آقامیری با حمایت کامل

۳ رئیس‌جمهور ابراهیم رئیسی در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ در ساحت سقوط هلیکوپتر کشته شد. در زمان نگارش این گزارش، مسعود پزشکیان هنوز روی کار نیامده بود و آقامیری در راس شورای عالی فضای مجازی قرار داشت.

رهبر جمهوری اسلامی، برای هدایت سیاست‌های اینترنتی در این برهه حساس جدید برای سرکوب اینترنت در ایران منصوب شد.

در ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، [وزارت خزانهداری ایالات متحده](#) تحریم‌هایی علیه آقامیری و دیگران به دلیل نقش او در «فیلترینگ و مسدودسازی گسترده پلتفرم‌های خبری» و استفاده از «فناوری دیجیتال برای جاسوسی و آزار روزنامه‌نگاران و مخالفان» اعمال کرد.

[اتحادیه اروپا](#) در ۱ خرداد ۱۴۰۲ و [بریتانیا](#) در ۱۵ تیر ۱۴۰۲، به دلیل «موارد جدی نقض حقوق بشر در ایران» و «نقض حق آزادی بیان»، علیه آقامیری تحریم‌هایی وضع کردند.

در **حکمی** که آقامیری را منصوب کرد، وظایف مختلفی به عنوان دبیر شورای عالی فضای مجازی به او محول شد، از جمله:

- تحول شبکه در دبیرخانه و مرکز ملی فضای مجازی با استفاده از ظرفیت «نیروهای جوان، نخبه، وفادار و انقلابی».
- تقویت «محتوای فرهنگی ایرانی-اسلامی» برای مقابله با «تهاجم فرهنگی دشمن».
- تأسیس پلتفرم‌های قوی ایرانی در سطح ملی و جهانی.
- استفاده از دیپلماسی و روابط بین‌المللی برای تقویت صنعت فناوری اطلاعات ایران.
- به‌روزرسانی سیاست‌های فیلترینگ به‌منظور تطابق با چالش‌ها و تهدیدات روز.

این حکم همچنین تأکید کرد که تمام دستگاه‌ها و نهادهای دولتی باید در اجرای این مأموریت‌ها با شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی «بیشترین هماهنگی» را داشته باشند. این اولویت‌ها نشان می‌دهند که مأموریت مرکز ملی فضای مجازی، و بنابراین کنترل اینترنت، تا چه میزان برای آینده جمهوری اسلامی دارای اهمیت است.

این موضوع همچنین نشان می‌دهد که چگونه مقامات ارشد، از جمله تا بالاترین سطح یعنی رهبر جمهوری اسلامی، هر چه بیشتر قدرت خود را برای تعیین شکل سرکوب دیجیتال در دستان شورای عالی فضای مجازی متمرکز می‌کنند. اطمینان از اینکه شورای عالی فضای مجازی تحت هدایت فردی تندرو مانند آقامیری است که سابقه فعالیت در نیروهای بسیار سرکوبگر بسیج جمهوری اسلامی را دارد، این مسیر جدید را تقویت می‌کند.

اشاره این فرمان به حضور بین‌المللی پلتفرم‌های فناوری ملی نیز نشان‌دهنده یک حرکت کلی به سمت مدل چین برای جذب کاربران بین‌المللی به برنامه‌های ملی خود است. پلتفرم‌هایی که به نظارت و سانسور دولت چین معروف هستند، مانند [وی‌چت](#)، به محبوبیت جهانی دست یافته‌اند. این موضوع همچنین روشن می‌سازد که دولت رئیس‌جمهور پیشین، رئیسی، به حمایت از شرکت‌هایی مانند [آی‌اروان](#) ادامه داده است — که احتمالاً در دوره ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان نیز ادامه خواهد داشت — به‌ویژه با تعهد به حمایت مالی از این شرکت فناوری ایرانی برای مبارزه قانونی با تحریم‌های اروپایی به‌منظور بازپس‌گیری سهم بزرگی از مشتریان بین‌المللی خود.

در حالی که پزشک‌های در دوران تبلیغات انتخاباتی خود وعده دسترسی آزاد به اینترنت را داد، پیگیری او برای راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و پایبندی‌اش به اصول اصلی سیاست‌های اینترنتی تعیین‌شده توسط رهبر جمهوری اسلامی، نشان‌دهنده ادامه‌دار بودن این مسیر است. وعده‌های مشابهی در دوران انتخابات رئیس‌جمهور اسبق، حسن روحانی، نیز داده شده بود، اما دوره او شاهد یکی از وحشتناک‌ترین سال‌ها برای سیاست‌های اینترنتی در ایران بود.

برنامه هفتم توسعه و قدرت‌های جدید فیلترینگ مرکز ملی فضای مجازی

پس از انتصاب آقامیری، کمیسیون قانون‌گذاری پشت برنامه هفتم توسعه^۴ در مجلس، در مرداد ماه ۱۴۰۲ طی مصوبه‌ای جدید «فرماندهی امنیت فضای سایبری و رهبری آن» را به مرکز ملی فضای مجازی واگذار کرد.

محسن زنگنه، سخنگوی این کمیسیون اظهار داشت که در این مصوبه مجلس، مرکز ملی فضای مجازی موظف است تمام سیاست‌ها و الزامات مربوط به تنظیم پلتفرم‌های فضای مجازی و اقتصاد دیجیتال را تأیید کند. هر تصمیمی که آن‌ها بگیرند، به تأیید شورای عالی فضای مجازی و تمام نهادهای تنظیم‌گر تحت آن خواهد رسید. صنایع مرتبط، از جمله تمام پلتفرم‌های دیجیتال، موظف به پیروی از سیاست‌های آن‌ها هستند.

به گفته سخنگوی کمیسیون برنامه هفتم توسعه، با نهای شدن این مصوبه، «هرگونه مسدودسازی و فیلترینگ پلتفرم‌ها تحت اختیار مرکز ملی فضای مجازی خواهد بود». این مرکز همچنین مسئول تدوین و اجرای «سیستم پیشگیری و پاسخ به حوادث فضای مجازی» خواهد بود.

معافیت از نظارت قضائی

در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲، مجلس شورای اسلامی اصلاحیه‌ای بر قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری را تصویب کرد که به صراحت اطمینان می‌دهد احکام صادره از سوی شورای عالی فضای مجازی قابل به چالش کشیده شدن در دیوان عدالت اداری نیستند.

این به معنای معافیت از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری است که به این دیوان صلاحیت می‌دهد تا «شکایات و اعتراضات و نارضایتی‌های اشخاص حقیقی یا حقوقی در مورد دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها و همچنین مقررات مؤسسات عمومی غیردولتی» را بررسی و تعیین کند که آیا این مقررات منجر به سوءاستفاده یا استفاده نادرست از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا امتناع از انجام وظایف شده و همچنین «باعث نقض حقوق افراد» می‌شود یا خیر.

این بدین معناست که علاوه بر افزایش قدرت شورای عالی فضای مجازی، احکام آن مصون هستند و نمی‌توان آن‌ها را برای نادیده گرفتن حقوق افراد به چالش کشید.

اقدامات مقامات دولتی برای افزایش قدرت و مصونیت شورای عالی امنیت به این دلیل انجام شده است که مأموریت اصلی این شورا تکمیل شبکه ملی اطلاعات، که در ایران به عنوان «اینترنت ملی» شناخته می‌شود، است. برای رژیم،

۴ این یک برنامه توسعه پنج ساله است که توسط دولت بر مبنای چشم انداز توسعه اقتصادی آن دولت نوشته می‌شود. این برنامه در مجلس به رای گذاشته می‌شود.

مصون ماندن این پروژه از هرگونه چالشی، علیرغم تأثیرات منفی آن بر حقوق فردی و آزادی‌های اینترنتی، اولویت دارد.

اگرچه هدف اولیه توسعه زیرساخت‌های ارتباطی برای تفکیک ترافیک شبکه داخلی و خارجی بود، اما امروز یکی از شاخص‌های مهم موفقیت و تکمیل شبکه ملی اطلاعات، «افزایش نسبت ترافیک داخلی به خارجی در حد امکان» و «انتقال تمامی سرورها و مراکز ذخیره‌سازی داده‌ها به طوری که در داخل کشور مستقر باشند» است. این موارد اکنون به عنوان ارکان اصلی «اینترنت ملی» در نظر گرفته می‌شود.

مجموعه احکام و اقداماتی که توسط شورای عالی فضای مجازی و بازوی اجرایی آن، مرکز ملی فضای مجازی، به‌ویژه در سال گذشته تعیین شده‌اند، متعدد بوده و پشتوانه تلاش‌های ملی‌سازی برای ایجاد شبکه ملی اطلاعات هستند.

مصوبه شورای عالی فضای مجازی: «بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با پالایش‌شکن‌ها»

تشدید تلاش‌ها برای هدایت کاربران به سمت پلتفرم‌های داخلی

اقدامات جمهوری اسلامی برای تحمیل پلتفرم‌های داخلی بر کاربران ایرانی در طول دهه گذشته ناکام مانده است و یک نظرسنجی از مرکز دولتی در بهمن ۱۴۰۳ نشان داد که با وجود سانسور، اینستاگرام، تلگرام و واتس‌آپ همچنان محبوب‌ترین و پرکاربردترین پلتفرم‌ها در میان کاربران ایرانی هستند.

دولت ایران اکنون دور جدیدی از اقدامات را برای هدایت کاربران به سمت پلتفرم‌های داخلی به اجرا درآورده است تا از طریق شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی بر پلتفرم‌ها کنترل و نظارت داشته باشد. به‌طور کلی، پلتفرم‌های ملی دارای پروتکل‌های حریم خصوصی سخت‌گیرانه‌ای برای حفاظت از کاربران نیستند و در نتیجه کاربران ایرانی را در معرض تصمیمات دولتی درباره نحوه استفاده از داده‌هایشان قرار می‌دهند. خطرات مربوط به داده‌هایی که این برنامه‌ها می‌توانند جمع‌آوری کنند، بسیار واقعی است، چرا که مقامات جمهوری اسلامی سوابق قابل توجهی در استفاده از داده‌های ارتباطات بین افراد برای تحت نظر گرفتن و دستگیری کاربران دارند. نمونه‌ها شامل جمع‌آوری اطلاعات در مورد اینکه آیا کاربران اینترنت برنامه‌های ممنوعه را در تلفن‌های خود دارند، از جمله از طریق برنامه اسنپ، تا اخیراً استفاده از برنامه اسنپ‌فود در اعتراضات مهسا ژینا امینی برای تعیین موقعیت جغرافیایی و دستگیری فعالان است.

در آبان ۱۴۰۲، شورای عالی فضای مجازی مصوبه‌ای تحت عنوان «بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با پالایش‌شکن‌ها» تصویب کرد که نشان‌دهنده رویکرد چندجانبه برای ملی‌سازی اینترنت از طریق هم سرکوب وی پی ان‌ها و هم اجبار کاربران به استفاده از برنامه‌های ملی است. وی پی ان‌ها در ایران به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌شوند و از آنجا که بسیاری از برنامه‌های مورد استفاده عموم قبلاً سانسور شده‌اند، اکثر ایرانیان برای دسترسی به اینترنت بین‌المللی از آنها استفاده می‌کنند.

در ۱۹ دی ۱۴۰۲، رهبر جمهوری اسلامی مصوبه شورای عالی فضای مجازی را [تأیید کرد](#). این نشان‌دهنده اجرای قریب‌الوقوع آن است. این موضوع توسط آقامیری، دبیر شورای عالی فضای مجازی، در [نامه‌ای](#) به تاریخ ۳۰ بهمن ۱۴۰۲ که در آن اظهار می‌کند «حکم ... اکنون برای اجرا ابلاغ شده است» مورد تأکید قرار گرفت.

بر اساس مصوبه شورای عالی فضای مجازی، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری با وزارت‌خانه‌های امور اقتصادی و دارایی و ارتباطات و فناوری اطلاعات» موظف شده‌اند که «تولیدکنندگان محتوا و کسب‌وکارهای فعال در سکویهای خارجی را به سکویهای داخلی منتقل کنند». همچنین اضافه شده است که این سه وزارتخانه باید ۵۰٪ از تولیدکنندگان محتوا را به پلتفرم‌های داخلی منتقل کنند و آن‌ها را وادار کنند تا فعالیت‌های خود را در پلتفرم‌های خارجی در مدت ۶ ماه متوقف کنند.

مقامات به‌طور مداوم تلاش کرده‌اند تا کاربران ایرانی را به سمت استفاده از اینترنت داخلی برای خدمات دولتی سوق دهند. اینترنت داخلی در حال حاضر برای خدمات بانکی و بیشتر مقاصد اداری دولتی وجود دارد. مصوبه شورای عالی فضای مجازی تضمین می‌کند که اینترنت داخلی به مؤسسات عمومی مانند شهرداری‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها نیز گسترش یابد.

اگر این بخش از حکم شورای عالی فضای مجازی به‌طور کامل اجرا شود، احتمالاً حتی ایرانیان مقیم خارج از کشور که نیاز به تعامل با بوروکراسی دولتی دارند نیز مجبور خواهند شد برای امور اداری و شخصی مانند دریافت یا تعویض شناسنامه و کارت ملی، تمدید گذرنامه، مسائل مربوط به ازدواج و طلاق، ثبت املاک و سایر امور مشابه، پلتفرم‌های داخلی که منشا آنها ایران است را نصب کنند.

شورای عالی فضای مجازی همچنین [مصوبه‌ای](#) (جداگانه) اما مکمل صادر کرده است که ایجاد «[پوسته‌های](#)» برنامه‌های موجود، که گاهی به آن‌ها «مشتري» گفته می‌شود، را مجاز می‌شمارد. در سال ۱۳۹۷، زمانی که قوه قضائیه ایران دستور به مسدودسازی پیام‌رسان تلگرام داد، [تلگرام مشتري](#) راهی جدید برای مقامات برای نظارت و سانسور استفاده از تلگرام شد. تلگرام یک رابط برنامه‌نویسی اپلیکیشن باز ارائه می‌دهد که به توسعه‌دهندگان امکان می‌دهد نسخه‌های خود را برای دسترسی به تلگرام ایجاد کنند. مقامات نسخه‌های کنترل‌شده‌ای به نام «[تلگرام طلایی](#)» توسعه دادند که می‌توانستند از سانسور تلگرام عبور کنند، به‌طوری که داده‌های کاربران تحت نظارت وزارت اطلاعات قرار گرفته و سانسور محتوا امکان‌پذیر شد. شورای عالی فضای مجازی قصد خود را برای استفاده از تجربه‌اش در ایجاد و ارائه [نسخه تلگرام](#) به‌منظور انتقال میلیون‌ها کاربر ایرانی به این پوسته‌های جعلی برای پلتفرم‌های دیگر اعلام کرده است. با این حال، مشخص نیست که این اقدام برای پلتفرم‌های غیر از تلگرام چگونه عمل خواهد کرد. این اقدام، اگر به اجرا درآید، حریم خصوصی و اطلاعات میلیون‌ها کاربر ایرانی را در دسترس نهادهای دولتی قرار خواهد داد.

آرتیکل ۱۹ بارها درباره پیامدهای نظارتی و حریم خصوصی پلتفرم‌های داخلی [هشدار](#) داده است. با نبود سیستم حمایتی مناسب در قوانین موجود که مطابق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر باشد و با توجه به وفور مواردی که داده‌ها و اطلاعات کاربران برای دستگیری و تعقیب قضائی آن‌ها استفاده شده است، این موضوع خطری جدی برای آزادی بیان و حریم خصوصی تمام افرادی که نیاز به تعامل با دولت دارند، به شمار می‌رود.

ممنوعیت وی پی ان ها

بر اساس مصوبه «بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با پالایش شکن ها»، استفاده از وی پی ان ها تنها در مواردی که به طور قانونی مجاز باشد، امکان پذیر و در غیر این صورت، ممنوع می شود. در محیط اینترنتی که اکثریت خدمات، وبسایت ها و پلتفرم های اینترنتی که تحت کنترل یا همکاری با دولت نیستند، فیلتر شده اند، وی پی ان ها به طور گسترده ای استفاده می شوند و دسترسی به آن ها در کشورهایی مانند ایران با دسترسی به اینترنت آزاد مترادف است. مفهوم «وی پی ان های قانونی» همچنین توسط مقاماتی که از کاربران خواسته اند با جزئیات شخصی خود ثبت نام کنند تا بر اساس نیازهایشان سطوح مختلف دسترسی را دریافت کنند به کار گرفته شده است. این پروژه به طور کلی توسط کاربران رد شده است. ترس از نظارت و رصد اینترنتی، در کنار هشدارهایی مبنی بر اینکه سانسور «محتوای غیر اخلاقی» ادامه خواهد یافت مگر در مواردی که دلایل حرفه ای برای معافیت وجود داشته باشد، بسیاری را نسبت به این خدمات بدبین کرده است.

مصوبه مزبور می گوید که یک کارگروه هفت نفره، به ریاست شورای عالی فضای مجازی که در حال حاضر آقامیری است (و همچنین دبیر شورای عالی فضای مجازی نیز می باشد)، تشکیل خواهد شد تا «بررسی ساماندهی وضعیت ابزارهای پالایش شکن» را انجام دهد. اعضای این کارگروه، که مأموریت عملی آن مقابله با وی پی ان ها و ایجاد محدودیت هایی برای دسترسی به اینترنت جهانی است، شامل دادستان کل کشور، وزیر اطلاعات، وزیر ارتباطات، نماینده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دو عضو شورای عالی فضای مجازی است.

این مصوبه با مخالفت های گسترده ای از سوی کاربران اینترنت، وکلا، کارشناسان اینترنت و ارتباطات، و همچنین تعدادی از رسانه ها در ایران مواجه شد و این امر باعث شد مقامات عقب نشینی کنند.

آقامیری در تاریخ ۲ اسفند ۱۴۰۲ ادعا کرد که برداشت های صورت گرفته در مورد بند ششم مصوبه که درخصوص ممنوعیت استفاده از پالایش شکن هاست، نادرست است و مصوبه مخاطب عمومی ندارد بلکه مخاطب آن سازمان های دولتی و دستگاه های قید شده در ابلاغیه است و نه مردم.

با این حال، در تاریخ ۱ اسفند ۱۴۰۲، آقامیری موضعی مخالف با موضع بالا اتخاذ کرده و از افزایش استفاده مردم از وی پی ان ها [ایران تاسف کرده بود](#): «متأسفانه استفاده از این ابزارها زیاد شده است، ما در این مصوبه به دنبال علت یابی موضوع فیلتر شکن بودیم تا برای آن ساز و کارهایی در نظر بگیریم که در چارچوب قانون و مقررات مشکل را برطرف کنیم». ایم امر حاکی از آن است که مقامات قطعاً به دنبال راه هایی برای محدود کردن استفاده از وی پی ان ها هستند.

با وجود بیانیه های سخنگوی دولت و دبیر شورای عالی فضای مجازی، [بند ۶ مصوبه شورای عالی فضای مجازی](#) درباره «ممنوعیت استفاده از پالایش شکن ها» تا کنون اصلاح نشده است. هیچ یک از مقامات شورای عالی فضای مجازی معنی واقعی بخش های مختلف این مصوبه را انکار نکرده اند. در عوض، شورای عالی فضای مجازی [بیانیه هایی](#) منتشر کرده است مبنی بر اینکه عموم مردم مصوبه را به درستی تفسیر نکرده اند، یا همان طور که علی بهادری جهرمی، [سخنگوی](#) دولت ابراهیم رئیسی گفته است، نهادهای دولتی به دنبال «زمان مناسب» برای اجرای ممنوعیت عمومی و سراسری وی پی ان ها هستند و افزون بر آن، زمان اولیه اعلام آن یک «اشتباه» بوده است.

عدم وضوح، تناقض ها و عدم شفافیت شورای عالی فضای مجازی، نگرانی های گسترده ای برای حقوق اینترنتی در ایران برانگیخته است. دسترسی به وی پی ان آخرین مرز برای دسترسی به اینترنت آزاد است.

ادغام سیاست حجاب و عفاف در سیستم نظارت فضای مجازی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از بهمن ۱۴۰۰ تلاش کرده است که سیستم پایش فضای مجازی را راه اندازی کند. این سیستم ابزاری برای گزارش دهی افراد در مورد استفاده مردم از شبکه های اجتماعی، وبسایت ها و رسانه های آنلاین است و اکنون در حال ادغام با سیاست های جدید و تهاجمی از جمله لایحه حجاب و عفاف است.

بیانیه های وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به شکل نگران کننده ای نشان می دهد سیستم پایش فضای مجازی مشابه اپلیکیشن ناظر است که فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن زنان بدون حجاب استفاده کرده است.

نیروهای اعمال حجاب اجباری از جمله بسیج، با مشاهده زنان بدون حجاب در خیابان ها، وسایل نقلیه و مکان های تجاری، فرهنگی و حتی تاریخی، از اپلیکیشن ناظر برای ارسال گزارش به مراکز فرماندهی انتظامی استفاده می کنند. از زمان راه اندازی این سیستم، هزاران نفر در ایران پیامک های هشدار در مورد عدم رعایت حجاب دریافت کرده اند، هزاران وسیله نقلیه ضبط شده و بسیاری از کافه ها، رستوران ها، کتابفروشی ها، مراکز تفریحی و سایر مکان های تجاری و فرهنگی به دلیل عدم نظارت بر رعایت «حجاب مناسب» توسط مشتریان خود پلمب شده اند.⁵

«شراکت مردم در درآمد حاصل از فروش ترافیک تولیدات» محتوای دیجیتال: ابزاری برای تبدیل اینفلوئنسر ها به مبلغان حکومتی

جمهوری اسلامی در کارزار جدید خود نه تنها بر سرکوب و سانسور اینترنت و شبکه های اجتماعی تمرکز دارد، بلکه به دنبال تبدیل اینفلوئنسر های اینترنتی به ابزار های تبلیغاتی حکومتی از طریق اجرای طرحی به نام «تقسیم درآمد محتوای دیجیتال» است.

طبق گفته های آقامیری، سند شورای عالی فضای مجازی در مورد «شراکت مردم در درآمد حاصل از فروش ترافیک تولیدات محتوایی» شامل پرداخت به تولیدکنندگان محتوای آنلاین از طریق درآمد حاصل از ترافیک اینترنت در ایران و معیارهای تعامل خواهد بود. نحوه پرداخت هنوز نامشخص است، اما اینفلوئنسر هایی که به دولت وابسته هستند، در حال ترویج این موضوع هستند که اپلیکیشن روبیکا می تواند برای مردم درآمدزایی داشته باشد. یکی از اینفلوئنسر های دولتی با استفاده از اینستاگرام تبلیغ کرده است که صفحه روبیکای او ۸۰۱ میلیون تومان، تقریباً معادل ۱۴۰۰ دلار آمریکا درآمد داشته است، رقمی قابل توجه در کشوری که میانگین درآمد ماهانه ۲۰۰ دلار است. این تلاش ها به منظور جذب کاربران بیشتر به پلتفرم های ملی است در حالیکه هیچ توضیحی درباره نحوه درآمدزایی این اپلیکیشن ارائه نشده است.

پیش از این، نهادهای دولتی در ایران به ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از تخصیص سهمیه های کاغذ (در حالیکه در ایران کمبود کاغذ وجود دارد)، یارانه نقدی برای رسانه ها، و درآمد تبلیغات دولتی به عنوان ابزاری برای کنترل روزنامه ها به سمت محتوای رژیم پسند، اگر نه تبلیغات آشکار دولتی، استفاده کرده است. این سیستم باعث کاهش اعتماد شد و مخاطبان تا حد زیادی از خواندن روزنامه هایی که از این طرح سود می بردند رویگردان شدند. این وضعیت حتی برای روزنامه های نیمه مستقل نیز فضای رقابتی محدودی باقی گذاشت. سیاست های مشابهی نیز در دهه ۹۰ در رابطه با وبسایت های خبری آنلاین اجرا شد.

۵ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، مشروح یافته های هیئت مستقل حقیقت یاب بین المللی در مورد جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۵۰، ۱۲۷۰؛ عفو بین الملل، ایران: جامعه بین المللی باید در کنار زنان و دخترانی که از ظلم و ستم شدید رنج می برند، بایستد، ۴ مرداد ۱۴۰۲.

در حالی که مکانیسم‌های دقیق درآمدزایی در این سند مشخص نیست، به نظر می‌رسد که از طریق [حکم انتصاب](#) آقامیری، رژیم در تلاش است تا کاربران جدید، به‌ویژه جوانان وفادار به رژیم را به پلتفرم‌های ملی جذب کند و در عین حال با طرح «تقسیم درآمد»، مبلغان حکومتی ایجاد نماید.

توصیه‌ها

جمهوری اسلامی باید سیستم‌های کنترل اینترنت خود را که به‌طور آشکار قوانین و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر را نقض می‌کنند، ریشه‌کن کند. این سیستم‌های سرکوب دیجیتال به نقض حقوق بشر در دنیای واقعی منجر شده و باید از میان بروند.

ما توصیه‌های زیر را به دولت‌ها و نیز شرکت‌های خصوصی مستقر در خارج از ایران ارائه می‌دهیم:

- جامعه بین‌المللی باید با توجه فوری به آسیب‌های حقیقی که این سیستم‌ها ایجاد می‌کنند، به بررسی تأثیر مصوبه‌های جدید شورای عالی فضای مجازی بر حقوق بشر در ایران بپردازد. به‌ویژه، اقدامات در راستای ممنوعیت وی پی ان‌ها، چه از طریق جرم‌انگاری قانونی و چه از طریق روش‌های فنی بایستی مورد محکومیت قرار گیرند، چرا که این ممنوعیت‌ها منجر به از بین رفتن آخرین ابزار دسترسی به اینترنت آزاد خواهند شد.

- با توجه به برنامه‌های شورای عالی فضای مجازی برای ترویج پلتفرم‌های ایرانی فراتر از مرزهای ایران، کشورهای ثالث باید در حوزه قضایی خود، فعالیت کسب‌وکارهای فناوری ایرانی را که در سرکوب دیجیتال در ایران و ساخت شبکه ملی اطلاعات نقش داشته یا دارند ممنوع کرده و از جذب کاربران و مشتریان توسط آن‌ها جلوگیری کنند.

- به‌طور مشابه، کشورهای ثالث باید نهادهای غیرایرانی که این سیستم‌ها را به داخل ایران صادر کرده یا در کمک به آنها سهیم بوده‌اند، تحریم کنند. برخی از اپلیکیشن‌های ذکر شده در این گزارش شامل اپلیکیشن ناظر، زیرساخت‌های مربوط به سیستم پایش فضای مجازی، و اپلیکیشن روبیکا هستند.

- پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی باید محتواها یا سازندگان محتوایی را که ترویج دهنده پروپاگاندای حکومتی «شراکت مردم در درآمد حاصل از فروش ترافیک تولیدات محتوایی» هستند یا انتقال به اپلیکیشن‌های داخلی را ترویج می‌دهند، حذف کنند.

- شرکت‌های تحقیقاتی و فناوری باید در وی پی ان‌های امن و مقاوم در برابر سانسور سرمایه‌گذاری کنند تا در برابر اقدامات ایران برای غیرفعال کردن و از بین بردن آن‌ها تحت مصوبه «[بررسی راهکارهای افزایش میزان سهم ترافیک داخلی و مقابله با یالایش‌شکن‌ها](#)» مقابله کنند.

- ما دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی را تشویق می‌کنیم که در زمینه فناوری اینترنت ماهواره‌ای تحقیق و سرمایه‌گذاری کرده و به این وسیله در برابر اقدامات ایران برای ساخت اینترنتی که به‌طور ملی کنترل شده و طبیعتی استبدادی و سرکوبگرانه دارد، مقابله کنند.